

## مرگ امیر در قهقهه فواره های خون

تمام هوش و ذکاوت و وفاداریش را چه در دوره جوانی و چه در دوره سلطنت سومین و چهارمین پادشاه قاجار نثار دربار کرد و به اراده سلطان صاحب قران به امیری نظام، امیر کبیر...



تمام هوش و ذکاوت و وفاداریش را چه در دوره جوانی و چه در دوره سلطنت سومین و چهارمین پادشاه قاجار نثار کرد و به اراده سلطان صاحب قران به امیری نظام، امیر کبیر و اتابک اعظم ملقب شد، اما ۳۹ ماه بعد فتنه ها و دسیسه های همسر و مادر شاه اثر کرد و به فرمان غضب شاهانه، شاهرگ دستش زده شد و امیر در میان پرتاب فواره مانند خون دستش، رقص سما کرد و جشن مرگ گرفت.

به گزارش ایسنا، امروز ۲۰ دی سالروز قتل میرزا محمدتقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۳۰ است.

۲۷ مهرماه ۱۲۲۷ به مقام صدارت منصوب شد، اما گرفتار نفرت و حسادت مادرزنش مهد علیا و بسیاری از درباریان و نزدیکان شاه شد و با وجود خدمات آموزشی، سیاسی، علمی و اقتصادی بسیاری برای مردم و کشور، دوره صدارتش بیشتر از سه سال و دو ماه و ۲۷ روز دوام نیاورد و با نفوذ بیشتر مادر بر پسر سلطانش، به دستور ناصرالدین شاه از صدارت عزل شد و با شدت گرفتن بدبینی شاه و مادرش به کاشان فرستاده شده و گماشته شاه با دریافت دستور قتل، امیر را در تاریخ ۲۰ دی ۱۲۳۰ به حمام فین برد و رگ دستش را زد و امیر را در حال دست و پا زدن در خونش رها کرد.

### امیر و اتابک

محمدتقی در ۱۹ دی ۱۱۸۵ در روستای هزاوه در منطقه فراهان در استان مرکزی از پدری به نام قربان و مادری به نام فاطمه به دنیا آمد. پدرش کربلایی قربان در خدمت سیدالوزرا میرزا عیسی حسینی فراهانی معروف به میرزای بزرگ پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، پیشه وری و آشپزی می کرد. کربلایی قربان بعد از میرزای بزرگ ناظر آشپزخانه قائم مقام ثانی شد و در سن پیری قاپونچی او شد.

قربان و فاطمه به جز محمدتقی صاحب فرزند دیگری به نام محمدحسن بودند.

رفت و آمد پدر در خانه اعیانی میرزای بزرگ و میرزای ثانی از یک سو و هوش و علاقه عمیق محمدتقی از دیگر سو موجب شد، محمدتقی پیش پیش در خانه قائم مقامی ها مورد توجه و آموزش قرار گیرد. او در همان کودکی ناهار فرزندان میرزای بزرگ را می آورد و در حجره معلم می ایستاد تا ظرف های غذا را برگرداند. این توقف در بیرون حجره و تیز کردن گوش موجب آموختن آنچه معلم به فرزندان میرزای بزرگ آموخت شد.

در تاریخ ثبت است که روزی میرزای بزرگ با حضور در حجره آموزش از فرزندانش درس پرسید و بچه ها از جواب ناتوان ماندند، اما محمدتقی به جای آنان، همه سوالات را پاسخ داد. میرزا با مشاهده هوش و علاقه محمدتقی از او پرسید: «محمدتقی تو کجا درس خواندی؟» او پاسخ داد: «روزها که غذای آقازاده ها را می آورم، ایستاده می شنوم.»

قائم مقام انعامی به او داد، نگرفت و گریه کرد. به او گفت چه می خواهی؟ محمدتقی گفت: «به معلم امر فرمایید درسی را که به آقازاده ها می دهد به من هم بیاموزد.»

به این ترتیب کودکی و نوجوانی محمدتقی زیر نظر و تربیت قائم مقام گذشت و شیوه های منشی گری، نامه نگاری و صدور احکام دیوانی را از او آموخت. قائم مقام تحریر و انشاء برخی احکام و نامه ها را به محمدتقی سپرد.

محمدتقی به مرور به دبیری قائم مقام منصوب شد و از قواعد کار دیوانی آگاه شد و خدمت به قائم مقام باعث رفت و آمد به منزل ناصرالدین میرزا شد و مورد اعتماد و محبت او قرار گرفت که پس از نشستن او بر صندلی شاهی به صدارت شاه رسید.

مهمترین القاب محمدتقی فراهانی کربلایی محمدتقی، میرزا محمدتقی خان، مستوفی نظام، وزیر نظام، امیر نظام، امیرکبیر، امیر اتابک اعظم بود.

میرزا محمدتقی دو بار ازدواج کرد. ازدواج اولش با جان جان خانم دختر حاج شهباز خان فراهانی دختر عمویش بود که صاحب سه فرزند شد. او در زمان صدارتش از جان جان خانم جدا شد و جان جان خانم در سال ۱۲۴۸ در آذربایجان درگذشت.

دومین همسر امیرکبیر ملک زاده خانم ملقب به عزت الدوله تنها خواهر تنی ناصرالدین شاه بود که در ۲۶ بهمن ۱۲۲۷ در ۴۳ سالگی به پیشنهاد ناصرالدین به ازدواج امیر درآمد. عزت الدوله متولد ۱۲۱۱ بود و در زمان ازدواج ۲۶ سال از امیرکبیر کوچکتر بود. میرزا از این ازدواج صاحب دو دختر شد.

میرزا محمدتقی فراهانی در نامه ای به ناصرالدین شاه درباره این ازدواج به شاه یادآوری کرد: «از اول بر خود قبله عالم معلوم است که نمی خواستم در این شهر صاحب خانه و عیال شوم. بعد به حکم همایون و برای پیشرفت خدمت شما این عمل را اقدام کردم.»

## سیاست

امور دفتری و دولتی میرزا محمدتقی با خدمت در خانه قائم مقام فراهانی شروع شد. ابتدا با تحریر و نویسندگی و بعد لشکرنویسی.

او در اواخر دوره سلطنت فتحعلی شاه در زمره نیروهای محمدخان زنگنه، امیر نظام و پیشکار آذربایجان قرار گرفت و در اوائل سال ۱۲۱۶ به عنوان وزیر نظام آذربایجان منصوب شد و در ۲۰ دی ۱۲۱۶ به همراه ناصرالدین میرزا، ولیعهد عازم روسیه شد و در منطقه ایروان با نیکلای اول، تزار روسیه ملاقات کرد.

از مهمترین مأموریت های سیاسی امیر نظام در دوران سلطنت محمد شاه ریاست نمایندگی دولت ایران در کمیسیون صلح ارزنه الروم بود که به عنوان وکیل تام الاختیار ایران در اسفند ۱۲۲۱ آغاز شد. بعد از چهار سال اقامت امیر نظام در کشور عثمانی، قرارداد صلح با موضوع رفع اختلافات مرزی با این کشور امضا کرد. او بعد از این قرارداد در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۲۲۶ به شدت مورد حمایت و تشویق محمدشاه قاجار قرار گرفت.

میرزا محمدتقی که از سال ها قبل با ناصرالدین میرزا دوست شده بود پس از درگذشت محمدشاه قاجار مقدمات بر تخت نشستن ولیعهد جوان را فراهم کرد و در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۲۲۷ سلطنت ناصرالدین شاه اعلام شد.

با درگذشت محمدشاه قاجار، پدر ناصرالدین میرزا، تا رسیدن ولیعهد جوان از تبریز به پایتخت و نشستن بر تخت سلطنت زمام امور کشور برای مدت کوتاهی در اختیار مهدعلیا، همسر شاه متوفی و مادر شاه جوان قرار گرفت. بنابر نقل تاریخ با رسیدن خبر درگذشت محمدشاه، ولیعهد پول کافی برای سفر به تهران نداشت از این رو میرزا محمدتقی خان با استقراض از یک تاجر تبریزی و گرد آوردن شش لشکر پیاده و سواره، مقدمات سفر به تهران را به وجود آورد و البته این اقدام حساس و قابل توجه موجب عمیق تر شدن رابطه ناصرالدین میرزا و میرزا محمدتقی شد.

امیر نظام که با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، منصب صدراعظمی یافته بود علاوه بر لقب امیر نظامی به القاب امیرکبیر و اتابک اعظم نیز مفتخر شد.

او مدت کوتاهی بعد از صدارت اصلاحات سیاسی، امنیتی، مالی، اقتصادی و فرهنگی را آغاز کرد. برقراری امنیت و پایان دادن به شورش ها و یاغی گری ها، اصلاحات مالی و جلوگیری از ظلم و جور صاحبان قدرت به رعیت و عوام الناس از جمله برنامه هایی بود که در کنار کاهش نفوذ و دخالت دول روس و انگلیس در دستور کار قرار داد.

## درخشش امیر

از جمله مهمترین اقدامات امیرکبیر پایان دادن به شورش محمدحسن خان سالار فرزند اللهیارخان آصف الدوله در خراسان در ۲۶ آبان ۱۲۲۸ بود. در همان حال به نظم بخشیدن بر امور دستگاه سلطنت و حکومت و نظارت بر عملکرد دیوانیان، شاهزادگان، خاندان سلطنت، رجال و صاحبان قدرت پرداخت.

وطن دوستی و مخالفت شدید امیرکبیر با نفوذ دول بیگانه، تلاش برای برقراری عدالت و امنیت، جلوگیری از شکنجه و آزار متهمان و مجرمان، جلوگیری از پناهندگی جنایتکاران و مجرمین سیاسی به سفارتخانه های دول خارجی از دیگر ویژگی ها و اقدامات

انجام شده توسط امیرکبیر بود.

امیرکبیر بازسازی قشون و پایه گذاری نظم نو در قوای نظامی کشور، ایجاد چاپخانه، تذکره خانه، ساخت بازار مسقف، تیمچه و سرای امیر در تهران، تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، خبررسانی، خفیه نویسی، اصلاحات قضایی و از بین بردن رسم بست نشینی در حرم های امامان و امامزادگان و پایان دادن به روند انحرافی عمیق به وجود آمده در این زمینه را نیز در کارنامه دارد.

امیرکبیر بعد از تلاش های بسیار، تأسیس مدرسه دارالفنون در تهران ۱۳ روز قبل از قتلش را در تاریخ هشتم دی ۱۲۳۰ انجام داد. انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، تلاش برای ترجمه متون و کتب خارجی و انتشار کتب داخلی و خارجی و دستگیری و اعدام سید علی محمد باب مؤسس فرقه بهاییه در ایران از جمله اقدامات فرهنگی و مذهبی او به شمار می رود.

امیر کبیر فردی معتقد و دیندار بود که در ارتقاء شأن و منزلت علما و روحانیون عهد ناصری تلاش بسیاری کرد. نقش برجسته و موثر امیرکبیر در سرکوب شورش باب و از بین بردن فرقه بابیه با محاکمه و اعدام بنیانگذار آن موجب تحکیم بیش از پیش روابط او و روحانیون و علمای مذهبی شد.

و البته اقدامات اصلاحی امیرکبیر موجب دشمنی و کینه توزی بسیاری از صاحبان قدرت، شاهزادگان و دیوانیان به سرکردگی مهد علیا، همسر محمد شاه قاجار و مادر ناصرالدین شاه بود که همین مسئله در نهایت موجب صدور دستور قتل امیرکبیر در تاریخ ۲۰ دی ۱۲۳۰ شد.

میرزا محمدتقی در سال ۱۲۱۴ در لشکر آذربایجان به شغل و لقب مستوفی نظام منصوب و ملقب شد. در این زمان ناصرالدین میرزا حاکم آذربایجان بود.

میرزا در این دوره وارد سیاست شد و خدمات قابل توجهی انجام داد از جمله با سفر به روسیه از روس ها به دلیل قتل گریبایدوف نماینده روسیه در مذاکرات صلح پس از جنگ های ایران و روس، عذرخواهی کرد.

او همچنین برای حل اختلافات مرزی با امپراتوری عثمانی با حضور در معاهده مرزی ارزنه الروم توانست اختلاف مرزی را به نفع ایران پایان دهد.

میرزا پس از انجام موفق این مسوولیت ها به سمت پیشکار ولیعهد منصوب شد.

ایران در اواخر سلطنت محمدشاه قاجار گرفتار روبش فرقه بهائیت شد که این گرفتاری در شکل شورش ها و بلواهای اجتماعی و فرهنگی به دوره سلطنت ناصرالدین شاه انتقال یافت. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، بهائیان با ایجاد آشوب و بی نظمی و شورش در شهرهای مختلف کشور، درصدد طرح خواسته ها و تضعیف قدرت مرکزی برآمدند.

فتنه باب در شهرهای شمال و شمال غربی مشکلات متعددی را برای کشور به وجود آورد. ملاحسین بشرویه نیز در خراسان شورش بزرگی راه انداخته بود. در زنجان نیز یکی دیگر از پیروان باب به نام محمدعلی زنجانی، قیام کرد و مدتی طولانی در شهر آتش و خون راه انداخت.

بهائیان تهران نیز در دوره ای درصدد قتل ناصرالدین شاه و صدراعظمش امیرکبیر بودند. در چنین شرایطی امیرکبیر به سرکوب بهائیان و رهبران آن پرداخت که این مسئله موجب اعتماد بیشتر ناصرالدین شاه به او شد.

منابع:

عباس اقبال آشتیانی، میرزا تقی خان امیرکبیر، تهران، موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳

فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲، ص ۵۳

ایرج افشار، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، تهران، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۴۵۷

اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر (قهرمانان مبارزه با استعمار)، جلد اول، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۴۶، ص ۶۵-۶۶

پیترا آوری، تاریخ معاصر ایران (از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه)، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات عطایی،  
۱۳۷۶، چاپ سوم، ص ۷۶